

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

بازخواست عراقچی بابت مواضع قبل از جنگ

با اضافه شدن ۱۰ نماینده دیگر به جمع استیضاح‌کنندگان عباس عراقچی، شمار امضاکنندگان استیضاح وزیر امور خارجه به ۴۵ نفر رسید. علی خزایی، نماینده ورامین، قرچک و پیشوا در مجلس، و یکی از امضاکنندگان درخواست استیضاح عراقچی، با بیان اینکه هشدارهای متعدد از سوی نمایندگان درباره خطر جان رهبر شهید انقلاب به مسئولان داده شده بود، تاکید داشت که بی‌توجهی به احتمال حمله دشمن در میانه مذاکرات و مواضع ضعیف عراقچی در برابر تهدیدها، از جمله خطاهای محاسباتی بود که منجر به شهادت رهبر انقلاب شد.

۲



ارز خودرو آزاد ارز دارو نایاب

گزارش «نوبنیاد» از اجرای یک سیاست نابخردانه در شرایط جنگی
و کمبود منابع ارزی



۵



دکتر مخبر با اشاره به سخنان ظریف:

**دفاع از ترکمانچای برای
توجیه واگذاری تنگه هرمز**

۳

مواضع شاذ و معاندپسند باهنر

**اصرار بر سیاه‌نمایی
علیه ملت مبعوث**

۳



**استیضاح عراقچی؛ ۴۵ امضا برای
پایان «برجامیسم در وزارت خارجه»**

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

افزوده شدن ۱۰ نماینده دیگر به جمع متقاضیان استیضاح عباس عراقچی و رسیدن شمار امضاها به ۴۵، دیگر ماجرا را از یک اعتراض محدود پارلمانی خارج کرده است. اول مهرماه امیرحسین ثابتی با هفت محور و یک هفته بعد حسینعلی حاجی‌دلیگانی با ۱۷ محور، دومتن استیضاح را در سامانه مجلس ثبت کردند. حال آنکه مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس، تنها ۱۰ امضا برای آغاز فرآیند استیضاح کافی است. اکنون توپ در زمین هیئت‌رئیس است؛ هیئت‌رئیس‌ای که باید حداکثر ظرف ۱۰ روز جلسه نمایندگان متقاضی با وزیر را برگزار کند.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۴

بین‌الملل

اعتراف تاریخی مکرون درباره تنگه هرمز

اعتراضات در فرانسه خیلی زود به خشم گسترده از گرانی سوخت، کاهش قدرت خرید و سیاست‌های اقتصادی دولت‌های اروپا گره خورد. هم‌زمان، مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، افزایش قیمت انرژی را به جنگ خاورمیانه و بسته شدن تنگه هرمز نسبت می‌دهد.

صفحه ۲

سیاسی

پایان دادن به جنگ برای مذاکره اشتباه بود

علیرضا زاکانی، شهردار تهران اظهار داشت: «(در جنگ، یکی از اشتباهاتی که صورت گرفت، این بود که جنگ را تمام کردند و مذاکره را شروع کردند؛ درحالی‌که اصلاً نیازی نبود جنگ را تمام کنند. جنگ که تمام نشده بود، جنگ تمام نشد.»

خبر کوتاه

پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به قهرمانان کشتی آزاد جوانان جهان

حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در پیامی قهرمانی و افتخار آفرینی تیم امید کشتی آزاد در مسابقات جهانی آمریکا را به مدیران، مربیان، کشتی گیران غیور تیم و ملت بزرگ ایران به خصوص نسل جوان قهرمان میهن تبریک گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: بسم‌الله الرحمن الرحیم: قهرمانی تیم ملی زیر بیست و سه سال کشتی آزاد جمهوری اسلامی ایران در مسابقات جهانی، دل ملت بزرگ و قدرشناس ایران را البریز از شادی و افتخار کرد. این موفقیت که با کسب ۹ مدال رنگارنگ همراه بود، همچون قهرمانی اخیر تیم امید کشتی فرنگی نتیجه برنامه ریزی، مدیریت و تلاش بی‌وقفه مدیران، مربیان فداکار، و جوانان قدرتمند و غیور کشور است. به این عزیزان به خصوص نسل جوان قهرمان میهن و ملت سرافراز ایران تبریک می‌گویم. سید مجتبی حسینی خامنه‌ای ۲۷ مهر ۱۴۰۵

مخالفت دفتر رهبر شهید انقلاب با تغییر نام خیابان‌های باسابقه

دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب در پاسخی رسمی به نامه شهرداری مشهد اعلام کرد با نامگذاری مکان‌هایی که دارای نام رایج و باسابقه هستند، به نام حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی خامنه‌ای رضوان‌الله‌علیه موافقت ندارد.

در پی درخواست‌ها و پیگیری‌های مسئولان در سراسر کشور برای نامگذاری خیابان‌ها و اماکن به نام رهبر شهید انقلاب، در آخرین مکاتبات انجام‌شده، پیشنهاد شهردار مشهد برای نامگذاری خیابان‌های کوهسنگی و دانشگاه این شهر به نام ایشان در نامه‌ای به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب واصل شده است.

این دفتر در پاسخ به این پیشنهاد اعلام کرده: «این دفتر، با نامگذاری مکان‌های دارای نام رایج و باسابقه، به اسم مبارک امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌عظمی سید علی خامنه‌ای قدس‌الله‌سره‌الرحمه موافقت ندارد.»

دیدار اعضای دفتر نشر آثار رهبر شهید با خانواده شهید سعادت

روز گذشته، حجت‌الاسلام قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی به همراه اعضای دفتر نشر آثار رهبر شهید با حضور در منزل شهید محمد علی سعادت، با خانواده معزز ایشان دیدار و گفت‌وگو کردند. شهید سعادت از اهالی رسانه بود که دهم اسفندماه ۱۴۰۴، در مسیر بازگشت از تجمعات مردمی در تهران، بر اثر حمله آمریکایی-صهیونیستی به فیض شهادت نائل آمد.

قهرمانی در آمریکا مبارک مردم ایران

در پی قهرمانی کشتی فرنگی و آزاد تیم ملی امید در لاس‌وگاس آمریکا، که پس از تشدید حمله‌های مجازی رسانه‌های معاند به ویژه اینترنشنال شکل گرفت. علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی کشورمان، در دو توثیت قهرمانی دلاورمردان ایرانی را تبریک گفت و نوشت: «قهرمانی در آمریکا مبارک مردم ایران»

کمتر از یک ماه پس از ثبت طرح استیضاح عراقچی در مجلس، ۴۵ نماینده مجلس آن را امضا کردند

بازخواست عراقچی بابت مواضع قبل از جنگ

ازسوی نمایندگان درباره خطر جان رهبر شهید انقلاب به مسئولان داده شده بود، تاکید داشت که بی‌توجهی به احتمال حمله دشمن در میانه مذاکرات و مواضع ضعیف عراقچی در برابر تهدیدها، از جمله خطاهای محاسباتی بود که منجر به شهادت رهبر انقلاب شد.

با اضافه شدن ۱۰ نماینده دیگر به جمع استیضاح‌کنندگان عباس عراقچی، شمار امضاکنندگان استیضاح وزیر امور خارجه به ۴۵ نفر رسید. علی‌خرزایی، نماینده ورامین، قرچک و پیشوا در مجلس، و یکی از امضاکنندگان درخواست استیضاح عراقچی، با بیان اینکه هشدارهای متعدد



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

صراحتاً اعلام کرده بودند که «مذاکره با آمریکا شرافتمندانه نیست»، اینکه برخی از دوستان وزارت خارجه تلاش می‌کردند برای مذاکره با آمریکا مجوز بگیرند، به صلاح کشور نبود و این یک محاسبه غلط بود.»

خرزایی در همین رابطه به یکی از خطاهای محاسباتی برخی از مسئولان اشاره کرد و افزود: «در جنگ ۱۲ روزه، برخی از جریانات و طرفداران مذاکره با آمریکا به این موضوع که ممکن است دشمن در میانه مذاکره حمله کند، باور نداشتند و در این تصور بودند که آمریکا با صهیونیست‌ها نیست و نمی‌خواهد با ما بجنگد.»

عراقچی در پاسخ به تهدید جان «رهبر شهید انقلاب» پالس ضعف داد

این نماینده مجلس همچنین درباره مصاحبه عراقچی با رسانه آمریکایی ایندیا تودی که در ۶ اسفند ۱۴۰۴ صورت گرفت و همراه با پالس ضعف عراقچی به دشمن بود، اظهار کرد: «پاسخ عراقچی به خبرنگار آمریکایی ضعیف بود و باید در پاسخ به سؤالی که دربردارنده تهدید جان رهبر شهید انقلاب اسلامی بود، با اقتدار پاسخ می‌داد. کسی که به نمایندگی از ملت ایران متصدی وزارت امور خارجه می‌شود، بایستی محکم و قاطع موضع‌گیری کند.»

وی در پایان، با اشاره به ماجرای تهدید شدن رهبر کره شمالی و پاسخ این کشور مبنی بر اینکه در صورت ترور رهبرش با بمب هسته‌ای واکنش نشان می‌دهد، اظهار کرد: «آقای عراقچی در پاسخ به سؤالی که درباره جان رهبر شهید انقلاب پرسیده شده بود، باید این‌گونه با قدرت و بازدارنده موضع‌گیری می‌کرد.»

گرفت و در همان زمان، یک خروش عظیمی از سوی ملت ایران بعد از نماز جمعه در واکنش به این تهدید شکل گرفت. بعد از این ماجرا، شخصیت‌های مختلف نسبت به عملیاتی شدن تهدید ترامپ جنایتکار ابراز نگرانی کردند؛ به‌ویژه بنده و بسیاری از نمایندگان مجلس در همان زمان دلسوزانه پیگیر این موضوع بودیم.»

وی در ادامه، نسبت به اقدامات و دغدغه نمایندگان در آن بازه درباره تهدید جان رهبر شهید انقلاب، افزود: «در آن زمان، تعداد گسترده‌ای از نمایندگان در مجلس پیگیر این موضوع و ابعاد آن بودند، اعم از اینکه این تهدید یک جنگ روانی، لفظی و غیرعملیاتی است یا یک تهدید واقعی.»

عضو کمیسیون آموزش در ادامه، ضمن اشاره به اینکه درباره خطر جان رهبر انقلاب بارها از سوی نمایندگان از مسئولان کشور پیگیری و سؤال شد، تصریح کرد: «این موضوع به کرات و به انحای مختلف در صحن مجلس از سوی نمایندگان با تمام سلاخی مختلف پیگیری شد و هشدار داده شد که جان رهبر انقلاب در خطر است. اما متأسفانه شنیده نشد.»

خرزایی ادامه داد: «این موضوع تنها به نمایندگان محدود نبود و بسیاری از شخصیت‌های ملی و مذهبی نسبت به این ماجرا ابراز نگرانی کرده بودند.»

باور قلبی برخی این بود که آمریکا در میانه مذاکره حمله نمی‌کند!

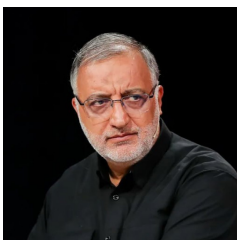
نماینده مردم ورامین در بخشی دیگر از سخنان خود، با اشاره به این نکته که نسبت «چرخه جنگ، آتش بس، مذاکره» هشدارهای لازم داده شده بود، اظهار کرد: «در جایی که رهبر انقلاب

روز گذشته ۱۰ نماینده دیگر به استیضاح کنندگان عراقچی اضافه شدند و مجموع تعداد نمایندگانی که پای استیضاح وزیر امور خارجه را امضا کردند به ۴۵ نفر رسید. اول مهرماه ۱۴۰۵ بود که امیرحسین ثابتی نماینده تهران، استیضاح عراقچی وزیر خارجه را با ۷ محور در سامانه مجلس ثبت کرد. یک هفته بعد نیز حسینعلی حاجی‌دلیگانی نماینده شاهین‌شهر متن دیگری را با ۱۷ محور برای استیضاح عراقچی در سامانه مجلس بارگذاری کرد که تا امروز مجموعاً ۴۵ نماینده با امضای این دو متن، خواستار استیضاح وزیر خارجه شده‌اند. یکی از محورهای مهم استیضاح عراقچی که در سامانه مجلس ثبت شده است، در رابطه با عوامل و خطاهای محاسباتی‌ای است که منجر به شهادت رهبر انقلاب شده بود و آن محور بدین شرح است: «خطاهای محاسباتی متعدد و بیان مواضع گمراه‌کننده‌ای که به گفته برخی منابع امنیتی، از عوامل غافلگیری در دو جنگ ۱۲ روزه و رمضان بود و در نهایت به شهادت رهبر معظم انقلاب منجر شد.» در همین راستا، با علی‌خرزایی، نماینده مردم ورامین، قرچک و پیشوا در مجلس شورای اسلامی و یکی از امضاکنندگان استیضاح عراقچی، گفتگو کردیم.

نماینده مردم ورامین در رابطه با این محور استیضاح اظهار داشت: «بعد از تهدید رئیس‌جمهور دولت تروپرستی آمریکا علیه رهبر شهید انقلاب، دغدغه و نگرانی از امنیت ایشان در تمام مردم ایران شکل

سیاسی

زاکانی: پایان دادن به جنگ برای مذاکره اشتباه بود



علیرضا زاکانی، شهردار تهران در برنامه تلویزیونی «انتقام» درباره اشتباهات تیم مذاکره‌کننده، اظهار داشت: «در جنگ، یکی از اشتباهاتی که صورت گرفت، این بود که جنگ را تمام کردند و مذاکره را شروع کردند؛ درحالی‌که اصلاً نیازی نبود جنگ را تمام کنند. جنگ که تمام نشده بود، جنگ تمام نشد.» وی افزود: «اگر قرار بود مذاکره‌ای صورت بگیرد، باید این مذاکره زیر سایه جنگ و در شرایط فشار انجام می‌شد؛ نه اینکه جنگ متوقف شود و بعد مذاکره را آغاز کنیم.»

شهردار تهران ادامه داد: «یکی از اشکالاتی که در روند مذاکره ما اتفاق افتاد و در نهایت به تهیه کاغذی منجر شد که طرف مقابل آن را پاره کرد و روی میز انداخت، این بود که تصور کردیم تفاهم‌نامه می‌تواند برای ما ایمنی و امنیت بیاورد و به جنگ خاتمه دهد؛ درحالی‌که اصلاً این‌طور نیست.» وی در پایان

تصریح کرد: «آن چیزی که جنگ را خاتمه می‌دهد، ایران قوی و ایران مقتدر است؛ اقتدار، اقتدار و باز هم اقتدار. اقتدار یعنی انتقام؛ اقتدار یعنی دشمن بداند اگر ضربه‌ای بزند و برود، از او انتقام گرفته خواهد شد.»

واکنش مخبر به نسخه ترکمنچای «بدیم بره» ظریف



روز گذشته، محمد مخبر در نشست «ایران مستقل و مقتدر: ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهبردها» اظهار داشت: آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای رهبر انقلاب در ابعاد مختلف حکمرانی، از مسائل اداری و اقتصادی گرفته

تا مباحث اجتماعی، امنیتی و نظامی، از تسلط و دانش بسیار بالایی برخوردارند لذا جانشینی ایشان موجی از آرامش را در کشور ایجاد کرده است و اطمینان داریم که با رهبری ایشان، آینده‌ای بسیار روشن در پیش خواهد بود. وی با بیان اینکه برخی به اشتباه تصور می‌کنند ایران در طول تاریخ خود هرگز شکست نخورده است؛ اظهار داشت: در دوران قاجار، با عدم مدیریت صحیح در برابر فشارهای خارجی و ضعف در حکمرانی، بخش‌های وسیعی از کشور از دست رفت و در جریان جنگ جهانی اول، با وجود اعلام بی‌طرفی، کشور در اثر اشغال و سوءمدیریت، دچار بحران‌های انسانی و گرسنگی شدید شد. وی افزود: حتی در دوران پهلوی نیز، برخلاف

تبلیغات موجود، ارتش توان مقابله پایداری نداشت؛ چنان‌که در جنگ جهانی دوم، پس از ورود نیروهای متفقین، ساختار نظامی در کوتاه‌ترین زمان فروپاشید. این ضعف‌های تاریخی در مدیریت بحران و عدم توانایی در حفظ حاکمیت، تفاوت بنیادین میان ایران گذشته و امروز را روشن می‌کند. مشاور و دستیار رهبر انقلاب در پایان به بیهوده گویی‌های اخیر محمد جواد ظریف واکنش نشان داد و گفت: بعضی از این آقایان می‌گویند امتیازاتی که در قضیه ترکمنچای دادند برای این بود که بقیه کشور از بین نرود؛ اگر یک مقدار ادامه می‌دادیم، بقیه کشور هم از دست می‌رفت؛ همان‌طور که بعضی‌ها الان می‌گویند تنگه هرمز را بدهیم که بقیه کشور از دست نرود.

خبر کوتاه

سخنگوی سپاه: سلاح‌های ویژه را متناسب با شرایط به کار می‌گیریم

سردار سرتیپ دوم پاسدار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گفت‌وگویی درباره ارزیابی توان آمریکا برای آغاز درگیری جدید اظهار کرد: برآوردهای ما نشان می‌دهد آمریکا قطعاً در شرایطی نیست که بخواهد درگیری جدیدی را آغاز کند و از آن دستاورد جدیدی به دست آورد.

وی همچنین درباره به کارگیری تسلیحات گفت: طبیعتاً هیچ کشوری همه سلاح‌های خود را یک‌باره به کار نمی‌گیرد یا از آخر به اول شروع نمی‌کند. ما مدت زیادی از سلاح‌های تولید ده‌ها سال قبل خود استفاده کردیم و تسلیحاتی که استفاده می‌کنیم، مربوط به تولیدات گذشته است. سخنگوی سپاه افزود: سلاحی را که باید در شرایط خاص استفاده شود، در شرایطی با حساسیت کمتر به کار نمی‌گیریم.

۳۹ عامل اصلی، مرتبط و تخریب‌گر اموال مردم بازداشت شدند

اداره کل اطلاعات استان قزوین روز دوشنبه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پی دریافت گزارش‌های مردمی و رصد‌های اطلاعاتی، سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان قزوین در ادامه اقدامات خود علیه مزدوران مجری توطئه دشمن جهت برهم زدن امنیت مردم و تخریب اموال عمومی و شخصی، ۳۹ نفر از مزدوران دشمن آمریکایی-صهیونیستی در استان قزوین را که در قالب ۸ تیم جداگانه سازماندهی شده بودند، شناسایی و بازداشت نمودند.

در ادامه این اطلاعیه آمده است: این مزدوران بیگانه در جریان کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز با اقدامات وحشیانه‌ی خود و تخریب گسترده و آتش زدن منازل مردم، فروشگاه‌های بزرگ سطح شهر، بانک‌ها، خودروهای عمومی و شخصی مردم و پمپ بنزین خیابان شهید بابایی، غارت اموال مغازه‌های مردم، اماکن دولتی، فروشگاه‌ها و... موجب بروز آسیب و ایجاد ناامنی برای شهروندان شده بودند.

اداره کل اطلاعات استان قزوین در اطلاعیه خود یادآور شد: ۱۰ نفر از این مزدوران، در پی تلاش برای به آتش کشیدن پمپ بنزین خیابان شهید بابایی، تعدادی از نیروهای حافظ امنیت را که مانع آسیب آنها به اموال عمومی و خودروهای مردم شده بودند، در جنایتی داعشی‌گونه به شهادت رساندند. از این مزدوران بی‌وطن، تعداد قابل توجهی سلاح گرم و سرد و مقادیر قابل توجهی مشروبات الکلی نیز کشف و ضبط گردید.

اصابت نفتکش متخلف با مین در تنگه هرمز

روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: یک فروند نفتکش متخلف با اصابت به یک مین دریایی در محدوده جنوب تنگه هرمز، دچار انفجار و آتش‌سوزی در موتورخانه شد.

روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه، اضافه کرد: این کشتی که قصد خروج از تنگه هرمز را داشت، همه سامانه‌های موقعیت‌یاب و ناوبری خود را از مبدأ حرکت، خاموش کرد و بدون توجه به قانون‌های تنگه هرمز، در تلاش برای عبور از مسیر غیرمجاز جنوبی تنگه، دچار این سانحه شد.

نیروی دریایی سپاه اعلام می‌کند: در صورتی که کشتی‌های تردد کننده در محدوده تنگه هرمز و خلیج فارس، سامانه‌های ناوبری و شناسایی خود را خاموش کنند، بان‌ها با شدت و قاطعیت برخورد خواهد شد.

نیروی زمینی ارتش با اقتدار ایستاده است

جانشین نیروی زمینی ارتش با تأکید بر آمادگی کامل دفاعی و عملیاتی نژا-جا برای مقابله با هرگونه تهدید، تصریح کرد: این نیرو با انکاب به توان رزمی، تجارب عملیاتی و روحیه ایثار و مجاهدت کارکنان خود، در راستای صیانت از استقلال، امنیت و حفظ تمامیت ارضی کشور با اقتدار ایستاده است.

سرتیپ نعمتی تأکید کرد: آمادگی دفاعی و عملیاتی نیروی زمینی ارتش در امتداد راه پرافتخار شهدا و پاسخی به مسئولیت خطیر صیانت از کشور است.



امین مهاجر

روزنامه‌نگار

گزارش "نوبنیاد" از مواضع شاذ و معاندپسند

محمدرضا باهنر در ماه‌های اخیر

اصرار بر سیاه‌نمایی علیه ملت مبعوث

مواضع اخیر محمدرضا باهنر نائب‌رئیس پیشین مجلس و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام رویکردی توأم با بی‌اخلاقی و همصدایی با رسانه‌های معاند داشته‌است؛ موضعی که جز سیاه‌نمایی علیه ملت مبعوث‌شده ایران، نام دیگری برای آن متصور نیست. اظهارات متعدد علیه مردم حاضر در تجمعات شبانه به بهانه‌های مختلف، اتهام‌زنی به نیروهای حزب الهی با بیانی مشابه ضدانقلاب در موضوع ادعایی اسیدپاشی و اخیراً طرح اتهامی عجیب علیه یکی از مجریان صداوسیما از جمله این مواردند.

را خطاب قرار داده و

بدون اشاره به صحت و نظر و پیش‌بینی درست منتقدان مذاکره با آمریکا در موضوع تفاهم اسلام‌آباد، با ادبیاتی توهین‌آمیز گفته‌است:

کسانی که در میادین می‌گویند مذاکره نداریم، بیخود می‌کنند چنین حرفی می‌زنند! او در یک موضع‌گیری بی‌پروا، مدعی نفوذ مוסاد در جهت‌گیری و اعتقادات مردم حاضر در تجمعات شبانه شده و گفته‌است: دشمن و مוסاد گاهی اوقات با ۵ یا ۶ واسطه سواد اعتقادات بچه حزب‌اللهی‌ها شده و آنها را داغ می‌کند که بگویند صرفاً باید جنگید. باهنر همچنین طی مصاحبه‌ای با خبرآنلاین، با تکرار ادعاهای قدیمی ضدانقلاب، مدعی اسیدپاشی بر زنان بی‌حجاب از سوی چند جوان حزب‌اللهی شده‌بود. موضوعی که به سرعت دست‌انبریز رسانه‌های ضدانقلاب برای هجوم علیه نیروهای وفادار به نظام اسلامی شد. نائب‌رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی، سال گذشته موضعی عجیب درباره حجاب اسلامی داشت و با تکرار کلیدواژه رسانه‌های معاند گفته‌بود: دیگر دوران اینکه با قانون اجباری حجاب، مملکت را اداره کرد گذشته‌است!

به‌نظر نتایج انتخابات دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه کرمان در اتخاذ مواضع پرحاشیه محمدرضا باهنر بی‌تأثیر نبوده باشد. مسیری که توسط بسیاری از مدعیان در دهه‌های اخیر پیموده شده و برخی چهره‌های سیاسی پس‌از شنیدن نه از سوی مردم، مسیری متفاوت از گذشته

سیاسی خود را در پیش می‌گیرند. اسفندماه سال ۱۴۰۲ و در پی برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه کرمان و راور از مجموع ۲۵۴ هزار و ۷۸۶ رأی‌آخذشده، باهنر علی‌رغم تبلیغات فراوان، تنها ۳۵ هزار و ۲۸۰ رأی‌آورد و پس از شهباز حسن پور بیگلری، مجید دوستعلی و محمدرضا پورابراهیمی داورانی در جایگاه چهارم نشست. مواضع باهنر در پی این شکست سخت سیاسی و ناکامی در ورود به پارلمان تغییری معنار نداشته‌است.

معذرت‌خواهی باهنر از زینب ابوطالبی

باهنر یک هفته پس از ادعای بدون سند خود مبنی بر خروج زینب ابوطالبی از ایران بالاخره عذرخواهی کرد و گفت: مصاحبه اخیرم اسمی از شخص خاصی نبردم، اما گویا مطالبی که ذکر کردم باعث تکدر خاطر یکی از مجریان و فرزندان عزیزان مرزبوم شد. حتماً تکذیبیه ایشان صحیح است و اگر موجب تکدر خاطر ایشان شده‌ام، عذرخواهی و حلاوت‌طلبی می‌کنم.

این خواهر گرانقدر و همه‌دختران این سرزمین، فرزندان ما هستند. دشمنان ما بدانند اگر حرفی در خانواده ما مطرح می‌شود، حتماً به خودمان مربوط است و نخواهیم گذاشت برخی حرف‌ها باعث ایجاد تفرقه در صفوف به‌هم‌فشرده ملت شود!

زینب ابوطالبی مجری شناخته‌شده صداوسیما اخیراً و پس از یک موج تخریبی سنگین درباره شایعه خروج او از کشور، ویدئویی از حضور خود در یک مراسم دانشجویی در دانشگاه شریف منتشر و به شایعات درباره اقامت‌اش در خارج از کشور پایان داد. نکته قابل توجه در این موج تخریبی، میداناری یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و اتهام‌زنی او به ابوطالبی بود. محمدرضا باهنر هفته گذشته با اشاره به جمله معروفی از ابوطالبی در یک برنامه تلویزیونی مدعی شده‌بود که پیگیری کرده و این مجری سیما مدت‌ها است از کشور مهاجرت کرده‌است. این ادعا به سرعت در شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه رسانه‌های معاند ضریب گرفت و به عاملی برای هجوم به نیروهای مکتبی و صداوسیما تبدیل شد. هر چند با تکذیب ابوطالبی و سپس عذرخواهی باهنر از او، تکلیف این شایعه روشن شد اما نکته قابل تأمل اینجا است که این قضیه تنها مورد از حاشیه‌سازی‌های باهنر طی چند ماه اخیر نبوده‌است.

هجوم علیه حجاب و تجمعات شبانه

باهنر پیش از این طی سخنانی انتقادبرانگیز که بیشتر تعیین تکلیف برای رهبری برداشت می‌شد، مدعی شده‌بود که نیاز نیست حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای عیناً و دقیقاً مشی رهبر شهید انقلاب را پیروی کند. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین در یک مصاحبه دیگرش، مردم مبعوث حاضر در میادین

✓ حقوق ۱۹ هزار و ۲۳۹ نفر فراتر از قانون پرداخت شد



سخنگوی دیوان محاسبات در تشریح جلسه هیئت عمومی دیوان محاسبات برای بررسی گزارش تفریغ بودجه سال ۱۴۰۴، با اشاره به بررسی سقف پرداختی کارکنان دولت در جریان رسیدگی به تبصره ۱۵ قانون بودجه اظهار داشت: مطابق قانون، پرداختی کارکنان دولت باید حداکثر ۷ برابر حداقل حکم کارگزینی باشد و همه دستگاه‌ها مکلف به رعایت این سقف هستند. سید نظام الدین موسوی ادامه داد: بر اساس گزارش تفریغ بودجه ۱۴۰۴، تعداد ۴۷ دستگاه از این حکم قانونی تخلف کرده و به ۱۹ هزار و ۲۳۹ نفر، پرداختی بیش از سقف تعیین شده داشته‌اند که پرونده دستگاه‌های متخلف برای رسیدگی به دادسرا ارجاع خواهد شد. همچنین، ۱۲ دستگاه هنوز گزارش مربوط به پرداختی‌های خود را ارائه نکرده‌اند که این موضوع نیز پیگیری می‌شود.

۱۴۰۳ به این حساب‌ها منتقل شده و رقمی در حدود ۳۸ همت نیز در سال ۱۴۰۴ در این حساب‌ها رسوب کرده است؛ با این حال، منابع تأمین شده در اختیار دستگاه‌های مسئول قرار نگرفته و در سال ۱۴۰۴ تسهیلاتی از محل حساب‌های استانی و ملی پیشرفت و عدالت به متقاضیان اختصاص نیافته است. موسوی گفت: مطابق قانون، ۷۰ درصد منابع این حساب‌ها باید در اختیار استان‌ها و شورای برنامه ریزی استان‌ها قرار گیرد، ۲۰ درصد به برنامه‌های ملی حمایت از تولید و اشتغال توسط دستگاه‌های اجرایی اختصاص یابد، ۵ درصد برای ارائه تسهیلات توسعه دریا محور در نظر گرفته شود و ۵ درصد نیز در اختیار صندوق‌های اشتغال‌زایی قرار گیرد؛ اما براساس گزارش تفریغ بودجه، منابع در هیچ‌یک از این بخش‌ها اختصاص پیدا نکرده است.

اختلال در تنگه هرمز و نفت ۱۱۰ دلاری، قیمت جهانی محصولات کشاورزی را گران کرد؛

تداوم کابوس گرانی جهانی غذا تا سال آینده

جنگ ایران و اختلال در عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز، با افزایش قیمت نفت به محدوده ۱۱۰ دلار در هربیشکه، موج تازه‌ای از نگرانی‌ها درباره تورم جهانی به راه انداخته است. اکنون در کنار افزایش هزینه انرژی و حمل و نقل، محدود شدن عرضه کود شیمیایی و احتمال کاهش تولید محصولات کشاورزی، چشم‌انداز قیمت مواد غذایی را نیز تیره کرده است. رویترز نیز از احتمال تداوم گرانی جهانی غذا تا سال ۲۰۲۷ خبر داد و بارونز درباره هم‌زمانی شوک انرژی و کمبود نهاده‌های کشاورزی هشدار داده است.

کنترل هزینه‌ها مصرف‌کننده را کاهش دهند یا سطح زیر کشت را محدود کنند. هر دو تصمیم می‌تواند به کاهش تولید و افزایش قیمت محصولات در دوره‌های بعدی منجر شود. تحلیل اس اند پی گلوبال که مبنای گزارش بارونز قرار گرفته، از احتمال افزایش تولید برخی محصولات مهم نیز خبر می‌دهد. پیش‌بینی تولید گندم استرالیا از ۲۸ میلیون تن به ۲۲ میلیون تن کاهش یابد. برآورد تولید ذرت برزیل نیز ۶ میلیون تن کاهش یافته و به ۱۳۷ میلیون تن رسیده است. در مورد سویا، پیش‌بینی تولید برزیل ۶ میلیون تن کاهش به ۱۷۷ میلیون تن رسیده است. شدت گرفتن آل‌نینو و کاهش بارندگی می‌تواند خطر افت بیشتر تولید را افزایش دهد. عامل دیگری که در این گزارش مطرح شده، رقابت میان تولید غذا و سوخت‌های زیستی است. با گران شدن نفت، تولید سوخت‌های زیستی از محصولات کشاورزی و روغن‌های گیاهی جذابیت اقتصادی بیشتری پیدا می‌کند. در نتیجه، بخشی از محصولات و زمین‌های کشاورزی ممکن است به جای تأمین مواد غذایی، به تولید سوخت اختصاص یابد و فشار بیشتری بر عرضه غذا وارد شود.

افزایش هزینه زندگی در آمریکا

خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس نیز در گزارشی آثار جنگ ایران بر هزینه زندگی خانوارهای آمریکایی را بررسی کرد. این گزارش نشان می‌دهد که اثر افزایش قیمت انرژی در آمریکا تاکنون بیشتر در هزینه سوخت، سفر و حمل و نقل کالاهای نمایان شده است؛ اما ادامه این وضعیت می‌تواند به افزایش بیشتر قیمت محصولات در فروشگاه‌ها منجر شود.

براساس گزارش آسوشیتدپرس، قیمت بنزین در آمریکا نسبت به پیش از جنگ حدود ۴۵ درصد و قیمت گازوئیل حدود ۶۸ درصد افزایش یافته است. هزینه حمل و نقل جاده‌ای و باربری نیز رشد قابل توجهی داشته و شرکت‌های هواپیمایی در واکنش به افزایش هزینه سوخت، قیمت بلیت‌ها را بالا برده یا برخی مسیرها را کاهش داده‌اند. آسوشیتدپرس برآورد کرده است که هزینه‌های ناشی از جنگ برای خانوار متوسط آمریکایی به حدود ۲ هزار دلار رسیده که تقریباً ۱۱۰ دلار آن ناشی از افزایش هزینه انرژی است. در عین حال، این خبرگزاری تأکید کرده که افزایش قیمت در فروشگاه‌های مواد غذایی هنوز به اندازه بازار سوخت فراگیر نشده است. پیش‌بینی افزایش متوسط قیمت مواد غذایی در آمریکا در سال ۲۰۲۶ حدود ۲۴ درصد بوده است. نکته کلیدی آن است که کاهش قیمت نفت یا بازگشت مسیرهای کشتیرانی به وضعیت عادی، لزوماً به معنای کاهش فوری قیمت مواد غذایی نیست. اگر اختلال در عرضه انرژی و کود ادامه پیدا کند و آل‌نینو نیز به کاهش برداشت محصولات منجر شود، فشار بر بازار جهانی غذا می‌تواند در سال ۲۰۲۷ تشدید شود.

وی در ادامه به تخلف برخی دستگاه‌ها در استفاده نیروی انسانی خارج از سامانه یکپارچه نظام اداری «سینا» اشاره کرد و گفت: براساس جزء ۲ بند «ج» تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۴، دستگاه‌های دولتی و قوای مجریه برای به کارگیری و استخدام نیروی جدید در همه سطوح، مکلف به اقدام از طریق این سامانه هستند. بررسی‌های انجام‌شده نشان داد ۳۹ دستگاه، جذب نیروی انسانی خود را خارج از این سازوکار انجام داده‌اند که تخلف تشخیص داده شده و پرونده آن‌ها برای رسیدگی به دادسرا ارجاع می‌شود. سخنگوی دیوان محاسبات در مورد حساب‌های پیشرفت و عدالت گفت: این حساب‌ها با هدف یکپارچه‌سازی حمایت‌های دولتی از تولید و اشتغال، به ویژه در مناطق محروم و روستایی، ایجاد شده است. بیش از ۸ همت از منابع مربوط به سال



نیما سهیلی

روزنامه نگار

افزایش قیمت نفت تنها به معنای گران تر شدن بنزین، گازوئیل و هزینه حمل و نقل نیست. انرژی یکی از نهاده‌های اصلی تولید کشاورزی است و قیمت آن از مسیرهای مختلفی بر هزینه کاشت، برداشت، فراوری و توزیع محصولات غذایی اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، کشورهای حاشیه خلیج فارس سهم مهمی در تأمین کودهای شیمیایی مورد استفاده در کشاورزی جهان دارند. به همین دلیل، بسته شدن تنگه هرمز علاوه بر بازار انرژی، زنجیره تأمین مواد غذایی را نیز تحت فشار قرار داده است. در روزهای اخیر، با تشدید نگرانی‌ها، قیمت نفت به محدوده ۱۱۰ دلار در هربیشکه رسیده است. رویترز درباره بازار انرژی نوشت: برخورد کشنی‌ها با مین در تنگه هرمز حمله اوکراین به یک تأسیسات مهم نفتی روسیه، نگرانی‌ها درباره عرضه نفت را افزایش داده است. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که بازارهای جهانی هم‌زمان با اختلال در عرضه انرژی و افزایش هزینه‌های حمل و نقل مواجه‌اند.

نفت ۲۰۰ دلاری در راه است؟

راسل هاردی، مدیرعامل شرکت ویتول، هشدار داد که در صورت توقف جریان انتقال نفت از خاورمیانه، بازار جهانی ممکن است با سناریوی نفت ۲۰۰ دلاری مواجه شود. او با اشاره به خروج روزانه حدود ۱۴ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی از منطقه تأکید کرد که تداوم این جریان صادراتی برای جلوگیری از جهش شدید قیمت‌ها اهمیت زیادی دارد. هاردی از افزایش شدید هزینه حمل و نقل دریایی و فشار ناشی از آن بر فعالان بازار خبر داد و گفت: کمبود فرآورده‌های نفتی می‌تواند در ماه‌های آینده ادامه یابد.

حلقه اتصال نفت و سفره مردم جهان

رویتز دیروز در گزارشی نوشت: تورم جهانی مواد غذایی ممکن است در ماه‌های آینده تشدید شود و تا سال ۲۰۲۷ ادامه یابد. براساس این گزارش، اختلال در مسیرهای کشتیرانی ناشی از جنگ، افزایش هزینه سوخت و کود شیمیایی و خشکسالی احتمالی ناشی از پدیده آل‌نینو، عرضه غلات را تحت فشار قرار داده است. رویترز تأکید کرد که مجموعه این عوامل، به ویژه برای کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط در آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا، خطرناک تر است؛ زیرا خانوارهای این کشورهای سهم بیشتری از درآمد خود را صرف خرید مواد غذایی می‌کنند. در چنین شرایطی، حتی افزایش محدود قیمت کالاهای اساسی می‌تواند قدرت خرید خانوارها را به طور محسوسی کاهش دهد. این خبرگزاری برای نشان دادن

ابعاد بحران به وضعیت بازارهای مختلف اشاره کرده است. قیمت برنج در اندونزی به رکورد رسیده، بهای نان بدون یارانه در مصر نسبت به ماه ژوئیه حدود ۲۵ درصد افزایش یافته و قیمت شکر در هند به بالاترین سطح تاریخی خود رسیده است. همچنین قیمت روغن خوراکی در امارات متحده عربی حدود ۴۰ درصد بالا رفته است. براساس داده‌های مورد استناد رویترز، قیمت گندم در سال ۲۰۲۶ بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته و قیمت برنج در کشورهای مهم صادرکننده آسیایی نیز با وجود ذخایر نسبتاً بالا، حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد رشد کرده است. این ارقام نشان می‌دهد فشارهای قیمتی به یک محصول یا منطقه محدود نیست و مجموعه‌ای از عوامل عرضه و هزینه در بازارهای غذایی نقش دارند.

رویترز به اختلال در انتقال غلات از دریای سیاه و تغییر مسیر کشتی‌ها در دریای سرخ اشاره کرده است. ناامنی در مسیرهای دریایی باعث شده برخی کشتی‌ها مسیر طولانی‌تری را در اطراف آفریقا طی کنند؛ موضوعی که هزینه و زمان حمل کالا را افزایش می‌دهد. هم‌زمان، درگیری‌های مرتبط با جنگ ایران و جنگ روسیه و اوکراین، تجارت غلات و نهاده‌های کشاورزی را با دشواری بیشتری مواجه کرده است.

سه فشار هم‌زمان بر کشاورزی

روزنامه اقتصادی بارونز نیز با عنوان «مزارع با سه ضربه هم‌زمان مواجه‌اند؛ قیمت غذا ممکن است بیشتر افزایش یابد»، به بررسی چشم‌انداز کشاورزی جهان پرداخت. این گزارش با اتکا به تحلیل تازه مؤسسه اس اند پی گلوبال، سه عامل اصلی را اختلال در عرضه کود شیمیایی، افزایش هزینه گازوئیل و خطر شرایط آب‌وهوایی نامساعد ناشی از آل‌نینو عنوان کرده است. براساس این گزارش، تنگه هرمز فقط مسیر مهم انتقال نفت و گاز نیست، بلکه در تجارت جهانی نهاده‌های کشاورزی نیز اهمیت دارد. حدود ۲۹ درصد تجارت جهانی اوره، نزدیک به نیمی از تجارت گوگرد و حدود ۲۱ درصد تجارت آمونیاک از این مسیر عبور می‌کند. اوره یکی از مهم‌ترین کودهای نیترژنی مورد استفاده در کشاورزی است و محدود شدن عرضه آن می‌تواند هزینه تولید محصولات غذایی را افزایش دهد. اهمیت این مسئله در آن است که افزایش هزینه کود تنها بر کشاورزانی که مستقیماً به واردات از خلیج فارس وابسته‌اند اثر نمی‌گذارد. تولید کود در کشورهای دیگر نیز به انرژی و به ویژه گاز طبیعی، وابسته است. در نتیجه، افزایش قیمت انرژی می‌تواند هزینه تولید کود را حتی در مناطقی که مستقیماً با کمبود واردات مواجه نیستند، بالا ببرد. بارونز همچنین هشدار داد که افزایش هزینه گازوئیل، فعالیت ماشین‌آلات کشاورزی و حمل محصولات را گران‌تر می‌کند. در چنین وضعیتی، کشاورزان ممکن است برای

موج خبر

حسینی: کمیته ۷ نفره مدیریت درآمد نفتی شفاف شود

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: رشد اقتصادی ایران در دهه گذشته به طور متوسط حدود یک درصد بوده است. در چنین شرایطی، نمی‌توان صرفاً با صدور بخشنامه‌های مقطعی و محدودکننده، انتظار بهبود پایدار در عملکرد صادراتی کشور را داشت. شمس‌الدین حسینی تصریح کرد: در سال گذشته و سه ماهه نخست امسال، عملکرد رشد اقتصادی نگران‌کننده بوده است. بخش قابل توجهی از افت رشد اقتصادی به بخش صنعت مربوط می‌شود و در میان چهار بخش اصلی اقتصاد، صنعت یکی از منفی‌ترین عملکردها را داشته است. وی افزود: صادرات کالا و خدمات در سال گذشته حدود ۵ درصد کاهش داشته و در سال جاری نیز وضعیت نامطلوب تر شده است. ۲۰ درصد کاهش یافته است. نکته مهم این است که در ترکیب واردات، صرفاً میزان واردات مطرح نیست، بلکه باید دید واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای چه وضعیتی دارد. کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای پیام مناسبی برای توسعه صنعتی کشور ندارد. این نماینده مجلس ادامه داد: وقتی سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند و واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز با افت مواجه می‌شود، باید نسبت به آینده تولید صنعتی و ظرفیت صادراتی کشور نگران باشیم.

حسینی گفت: اگر به روندهای بلندمدت و عملکرد یک دهه گذشته توجه کنیم، می‌بینیم که بنیان‌های لازم برای توسعه صادرات و رشد اقتصادی تضعیف شده است. در دو تا سه سال اخیر نیز این روندها با افت بیشتری مواجه شده‌اند. در تحلیل وضعیت اقتصاد کشور، نه باید همه مشکلات را به جنگ نسبت داد و نه باید گفت جنگ هیچ اثری نداشته است. واقعیت این است که متغیرهایی که پیش از این ضعیف بودند، ضعیف‌تر شده‌اند و عملکردهایی که از قبل نامطلوب بودند، با افت بیشتری مواجه شده‌اند. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به اصول ۵۳ و ۵۵ قانون اساسی اظهار کرد: اصل ۵۳ قانون اساسی تصریح می‌کند که تمام دریافت‌های دولت باید در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود و پرداخت‌ها نیز در حدود اعتبارات مصوب صورت گیرد. اصل ۵۵ نیز بر نظارت دیوان محاسبات کشور بر حساب‌ها و اسناد دستگاه‌های دولتی تأکید دارد. یک کمیته هفت نفره تشکیل شده و درباره اینکه نفت چگونه دریافت شود و از چگونه مدیریت شود، تصمیم‌گیری‌هایی صورت گرفته است. پرسش این است که اعضای این کمیته چه کسانی هستند، بر چه مبنایی انتخاب شده‌اند و سازوکار تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد آنها چگونه است؟ من اطلاعات روشنی درباره ترکیب آن ندارم.

((نوبنیاد)) از یک اجرای سیاست نابخردانه در شرایط جنگی و کمبود منابع ارزی گزارش می‌دهد

پول دارو نداریم ولی رولزرویس وارد شود!

اقتصاد کشور با فشارهای ناشی از جنگ، محدودیت منابع ارزی و تشدید فشارهای تورمی بر خانوارها مواجه است؛ اما واردات خودروهای لوکس به کشور همچنان ادامه دارد. این در حالی است که اگر ارز نیست، واردات این خودروها چگونه انجام می‌شود؟ آمارهای گمرکی هم از افزایش بیش از ۶۶



هادی مولایی

روزنامه‌نگار

را از مسئولیت تنظیم‌گری بازار ارز کنار بکشد. اگر واردات یک کالا، حتی با منابع ارزی غیردولتی، تقاضای قابل‌توجهی در بازار ایجاد می‌کند، باید آثار آن بر ثبات ارزی، انتظارات تورمی و هزینه‌های عمومی نیز در تصمیم‌گیری لحاظ شود.

واردات خودروهای لوکس برای چه کسانی است؟

یکی دیگر از ابعاد مهم این موضوع، ترکیب خودروهای وارداتی و میزان دسترسی اقشار مختلف جامعه به آن‌هاست. افزایش ارزش متوسط گمرکی هر خودرو از حدود ۲۱ هزار ۹۰۰ دلار در پنج‌ماهه نخست سال گذشته به حدود ۲۷ هزار و ۷۰۰ دلار در پنج‌ماهه نخست امسال نشان می‌دهد که ارزش متوسط خودروهای وارداتی نیز افزایش یافته است. در شرایطی که بخش بزرگی از جامعه برای تأمین نیازهای اولیه خود با دشواری مواجه است، نمی‌توان صرف افزایش تعداد خودروهای وارداتی را نشانه بهبود رفاه عمومی دانست.

وارداتی که بخش مهمی از ارزش آن به خودروهای گران‌قیمت اختصاص پیدا کند، الزاماً پاسخ‌گوی نیاز حمل‌ونقلی خانوارهای کم‌درآمد و متوسط نیست. در چنین وضعیتی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سیاست واردات خودرو واقعاً با هدف تأمین نیاز عمومی و تنظیم بازار دنبال می‌شود یا در عمل، امکان دسترسی گروهی محدود به کالاهای گران‌قیمت را فراهم می‌کند؟

آلبرت بغزیان، کارشناس اقتصادی، با انتقاد از تخصیص ارز به کالاهای لوکس، معتقد است در شرایط کنونی بهتر است تخصیص ارز به کالاهایی همچون خودروهای لوکس و تلفن‌های همراه گران‌قیمت محدود شود و واردات کالاهای ارزان‌تر و اقتصادی‌تر در دستور کار قرار گیرد. او با اشاره به سازوکار قیمت‌گذاری این کالاهای پس از ترخیص از گمرک، تأکید کرد که استفاده از ارز مبادله‌ای برای واردات، لزوماً به عرضه کالا با قیمت متناسب و قابل‌دسترسی برای مردم منجر نمی‌شود و واردکنندگان، این کالاها را با قیمت‌های بسیار بالا در بازار عرضه می‌کنند.

این انتقاد، مسئله کارآمدی سیاست ارزی را نیز مطرح می‌کند. اگر منابع ارزی کشور برای واردات کالایی هزینه می‌شود که در نهایت با قیمت‌های نجومی به فروش می‌رسد، باید پرسید منافع این سیاست تا چه اندازه به جامعه می‌رسد و چه سهمی از آن نصیب گروه‌های محدود اقتصادی می‌شود؟

منابع محدود کشور در خدمت کدام اولویت؟

حسین راغفر، اقتصاددان، نیز با انتقاد از تخصیص منابع ارزی به خودروهای لوکس، این پرسش را مطرح کرد که در شرایط محدودیت منابع برای تأمین نیازهای اساسی مردم و کالاهایی مانند دارو، چرا باید منابع ارزی کشور صرف خرید خودروهای گران‌قیمت شود؟ او با اشاره به واردات یک دستگاه رولزرویس با قیمت حدود ۵۰۰ هزار دلار گفت: هزینه تعرفه و عوارض واردات چنین خودرویی نیز می‌تواند به صدها هزار دلار برسد. راغفر با طرح این پرسش که چه کسی در جامعه به خودرویی با هزینه نهایی نزدیک به یک میلیون دلار نیاز دارد، نسبت به محروم ماندن نیازهای اساسی مردم در برابر چنین مصارف هشدار داد.

این اظهارات در شرایط جنگی کشور اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در دوره‌هایی که کشورها با جنگ و تهدیدهای خارجی مواجه می‌شوند، حفظ سرمایه اجتماعی و تقویت تاب‌آوری عمومی به یکی از ضرورت‌های حکمرانی تبدیل می‌شود. تأمین نیازهای اولیه مردم، جلوگیری از تشدید فشارهای معیشتی و مدیریت دقیق منابع محدود، بخشی از الزامات حفظ همراهی و اعتماد عمومی است. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود دولت چهاردهم میان مصارف ضروری و غیرضروری تمایز روشنی قائل شود. نمی‌توان از محدودیت منابع ارزی سخن گفت، اما هم‌زمان بدون ارزیابی دقیق آثار اقتصادی و اجتماعی، مسیر واردات کالاهای گران‌قیمت را باز گذاشت.

مسئله واردات خودرو صرفاً مخالفت با ورود خودروهای خارجی یا نادیده گرفتن ضرورت رقابت در بازار خودرو نیست. مسئله اصلی، اولویت‌بندی منابع در شرایطی است که کشور با محدودیت ارزی و فشار تورمی مواجه است. اگر واردات خودرو قرار است به تنظیم بازار و افزایش رفاه عمومی کمک کند، باید خودروهای وارداتی اقتصادی (نه لوکس)، شیوه تأمین ارز، آثار آن بر بازار آزاد و میزان دسترسی خانوارها به محصولات وارداتی مدنظر قرار گیرد. در شرایط فعلی، تنظیم‌گری در صدور مجوزهای واردات و هدایت تقاضای ارزی به سمت کالاهای ضروری و واردات اقتصادی‌تر، ضرورتی جدی است. دولت باید روشن کند چه میزان ارز برای واردات خودرو هزینه شده، سهم خودروهای گران‌قیمت از این منابع چقدر بوده و این سیاست چه دستاورد ملموسی برای مصرف‌کننده عادی داشته است.

یادداشت

دلارزدایی؛ مطالبه‌ای فراتر از یک شعار

محمدحسین اخوان بهابادی پژوهشگر اقتصادی

دلارسوزی فقط سوزاندن یک اسکناس نیست؛ مسئله این است که چرا باید سرنوشت اقتصاد ایران به نرخ پول کشوری گره بخورد که همان پول را به سلاح تحریم و فشار اقتصادی علیه ملت ایران تبدیل کرده است؟ سال‌هاست به مردم گفته‌اند دلار بخرد تا فقیر نشوید. نتیجه چه شد؟ همه از ترس گران تر شدن ارز به بازار هجوم می‌برند، تقاضا بالا می‌رود و قیمت دلار افزایش می‌یابد. افزایش نرخ ارز نیز به گرانی کالاها و خدمات دامن می‌زند و معیشت مردم را تحت فشار قرار می‌دهد. سپس همان کسانی که مردم را به خرید دلار تشویق کرده بودند، با قیافه‌ای حق به جانب می‌گویند: «دیدید؟ حق داشتید دلار بخرید!» این همان چرخه‌ای است که باید شکسته شود. وقتی افزایش نرخ ارز به آغاز موج تازه‌ای از گرانی بدل می‌شود و فشار ارزی، کسری بودجه و رشد نقدینگی را تشدید می‌کند، شکستن این چرخه باید از مهار بازار ارز و مدیریت انتظارات تورمی مردم آغاز شود؛ اما چه کسی باید این تغییر را مطالبه کند؟ دلارزدایی نباید صرفاً توصیه‌ای از سوی دولت باشد، بلکه باید به خواسته‌ای عمومی تبدیل شود تا مسئولان نتوانند به‌سادگی از کنار آن بگذرند. وقتی میلیون‌ها نفر مطالبه کنند که دولت باید سلطه دلار را بر اقتصاد کشور پایان دهد، موضوع دیگریک شعار سیاسی نخواهد بود؛ بلکه مطالبه‌ای اقتصادی است که باید به برنامه‌ای مشخص و اقداماتی ملموس تبدیل شود: بازگرداندن ارزهای حاصل از صادرات، برچیدن بساط دلالت و سوداگران ارزی، مقابله با احتکار ارز و هدف‌گذاری شفاف برای تقویت پول ملی. بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از بازنگشته به کشور نیز در این میان مسئله‌ای حیاتی است. دولت باید با پیگیری جدی این منابع و اصلاح سازوکارهای بازگشت ارز، بخش عرضه را تقویت کند و اجازه ندهد منافع عمومی پای منافع گروه‌های برخوردار از رانت ارزی قربانی شود.

ترکیه؛ وقتی مردم به میدان دلارزدایی آمدند

این ایده نه تازه است و نه مختص به ایران. در سال ۲۰۱۶ و با افت ارزش لیر ترکیه، فراخوان تبدیل دلار به پول ملی به یک پوشش سراسری بدل شد؛ مردم به صرافی‌ها رفتند و برخی نهادها و کسب‌وکارها نیز برای تشویق شهروندان به تبدیل ارزهای خارجی به لیر وارد میدان شدند. در سال ۲۰۱۸ نیز گروهی از داماداران و فعالان بازار دام در شهر «آق‌سرای» ترکیه در اعتراض به فشارهای آمریکا و اروپا، اسکناس‌های دلار و یورو را به آتش کشیدند و اعلام کردند که در مبادلات خود ارز خارجی نمی‌پذیرند. هرچند این اقدامات به‌تنهایی تمام مشکلات اقتصادی ترکیه را حل نکرد، اما نشان داد که وابستگی به ارز خارجی می‌تواند انگیزه‌ای برای بسیج اجتماعی و مطالبه استقلال اقتصادی باشد.

قرار نیست مردم عادی را که برای حفظ ارزش پس‌اندازشان دلار خریده‌اند سرزنش کنیم یا بار مسئولیت را از دوش سیاست‌گذاران برداریم. مسئله این است که چرا باید خرید دلار به توصیه‌ای همگانی بدل شود؛ توصیه‌ای که اگر همه به آن عمل کنند، تضعیف هرچه بیشتر پول ملی را در پی دارد. وقتی همه بخواهند از ریال فرار کنند، چه کسی باید تقویت ریال را مطالبه کند؟ دلارسوزی پاسخی نمادین به همین تناقض است. این حرکت می‌گوید حتی اگر یک دلار در خانه داریم، نباید تنها از خود پرسیم که «چگونه سود بیشتری ببریم؟»؛ بلکه باید بیندیشیم که رفتار اقتصادی ما در کنار کنش میلیون‌ها نفر دیگر چه اثری بر کل اقتصاد کشور می‌گذارد. قرار نیست ما به آتش کشیدن اسکناس، یک شبه اقتصاد نجات یابد؛ هدف این است که با شکستن تقدس دلار در نبردی تمام‌عیار، سلاح اصلی از دست حریف گرفته شود. در میانه جنگ اقتصادی، مردم نباید تماشاگران منفعل تصمیم‌های ارزی دولت باشند؛ آن‌ها می‌توانند دلارزدایی را به مطالبه‌ای عمومی تبدیل کنند و مسئولان را برای بازگرداندن دارایی‌های ارزی، مهار سوداگری و تقویت پول ملی تحت فشار بگذارند. دلارسوزی زمانی اقدامی تاریخی خواهد شد که شعله‌های آن در خیابان خاموش نماند، بلکه به متن سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی راه یابد.

جولان خودروهای ۴۰ میلیاردی در خیابان

سیدکمال سیدعلی، معاون اسبق ارزی بانک مرکزی می‌گوید: دولت چهاردهم می‌گوید شرایط سخت است، اما نمایشگاه‌ها پر از خودروهای خارجی است که تازه وارد کشور کرده‌اند. از هر خیابانی که عبور می‌کنید، کامیونی در حال حمل یک ماشین وارداتی گران‌قیمت، مثلاً بالای ۴۰ میلیارد تومان، دیده می‌شود.

واردات این خودروها مستلزم خروج ارز است. باید مشخص شود سیاست‌گذاری تعرفه‌ای و درآمدی دولت تا چه اندازه با این واردات تناسب دارد. اگر من مسئول بانک مرکزی بودم، برایم سخت بود که این ثبت سفارش‌ها را انجام دهم. واردات خودرو و کالاهای لوکس در شرایط جنگی باید با حساسیت بیشتری مدیریت شود؛ در حالی که امنیت کشور باید در اولویت نخست تخصیص منابع باشد و در کنار تأمین نیازهای دفاعی، معیشت مردم و دارو نیز باید مولود توجه قرار گیرد.

اعتراضات اقتصادی در اروپا زنگ خطر را برای سیاستمداران دنباله‌رو آمریکا به صدا درآورده است

اعتراف تاریخی مکرون درباره تنگه هرمز

بسیاری از خیابان‌های اروپا این روزها به صحنه اعتراض، درگیری و نارضایتی اجتماعی تبدیل شده است. اعتراضاتی که در فرانسه و از کمبود معلم و ضعف خدمات عمومی آغاز شد، اما خیلی زود به خشم گسترده از گرانی سوخت، کاهش قدرت خرید و سیاست‌های اقتصادی دولت‌های اروپا گره خورد. هم‌زمان، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، افزایش قیمت انرژی را به جنگ خاورمیانه و بسته‌شدن تنگه هرمز نسبت می‌دهد. گویی مردم فرانسه باید هزینه بحرانی را بپردازند که سیاست‌های قدرت‌های غربی نیز در شکل‌گیری آن نقش داشته است.

هشدار می‌دهند که کاهش سرمایه‌گذاری عمومی و فشار بر خدمات اجتماعی، نارضایتی را عمیق‌تر می‌کند.

بستین لاشو، نماینده حزب فرانسه تسلیم‌ناپذیر، نیز در پارلمان درباره احتمال استفاده نیروهای آمریکایی از حریم هوایی فرانسه در عملیات جنگی علیه ایران پرسش مطرح کرد و خواستار روشن‌شدن موضع دولت شد. پرسشی که اصل آن، جلوگیری از پیوند خوردن فرانسه با جنگی است که پیامدهای آن می‌تواند به جامعه این کشور بازگردد.

فرصت آخر اروپا برای خروج از بحران

اگر دولت‌های اروپایی همچنان بخواهند دنباله‌رو سیاست‌های جنگ طلبانه واشنگتن باشند و هزینه همراهی با ماجراجویی‌های نظامی آمریکا را نادیده بگیرند، زمستان پیش‌رو می‌تواند به آزمونی دشوار برای اقتصاد و معیشت شهروندانشان تبدیل شود. از یک سو، جنگ اوکراین و حملات به زیرساخت‌های انرژی روسیه، امنیت عرضه گاز و چشم‌انداز بازگشت به واردات گسترده انرژی از مسکو را با ابهام روبه‌ور کرده است. از سوی دیگر، اختلال در تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انتقال نفت و گاز جهان، فشار مضاعفی بر بازار انرژی وارد می‌کند.

در جنوب منطقه نیز عربستان با پیامدهای بحران‌های امنیتی و سیاست‌های پرهزینه آمریکا دست‌وپنجه نرم می‌کند و محدودشدن عبور و مرور از باب‌المنندب به دست نیروهای یمنی می‌تواند مسیرهای تجارت و انتقال انرژی را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد.

در چنین شرایطی، اروپا نمی‌تواند هم‌زمان در جبهه تشدید تنش‌ها بایستد و انتظار داشته باشد هزینه‌های آن به سفره مردمش منتقل نشود. زمستان سخت فقط با کمبود احتمالی سوخت تعریف نمی‌شود بلکه با افزایش قبوض انرژی، فشار بر صنایع، گرانی کالاهای تشدید نارضایتی اجتماعی نیز خود را نشان می‌دهد. دولت‌های اروپایی باید پیش از آنکه بحران انرژی به بحرانی فراگیر در اقتصاد و سیاست داخلی تبدیل شود، در محاسبات خود تجدیدنظر کنند، مسیر کاهش تنش را در پیش بگیرند و امنیت انرژی و منافع شهروندان را بر تبعیت بی‌قید و شرط از راهبردهای واشنگتن مقدم بدانند. زیرا در نهایت، این مردم اروپا هستند که صورت حساب تصمیم‌های جنگی سیاست‌مداران را پرداخت خواهند کرد.

هزینه زندگی بالا می‌رود، خدمات عمومی ضعیف‌تر می‌شود و افق روشنی پیش روی جوانان قرار ندارد، دولت تا چه اندازه می‌تواند با تکیه بر ابزارهای نظامی، نارضایتی اجتماعی را مهار کند؟

از حمایت سیاسی جنگ تا شکایت از گرانی سوخت

در این میان، مواضع مکرون درباره بحران انرژی با پرسشی اساسی روبه‌روست که آیا دولت فرانسه می‌تواند پیامدهای جنگ را به خارج از مرزهای خود نسبت دهد، بی‌آنکه درباره مواضع سیاسی و امنیتی‌اش در قبال آن جنگ پاسخ‌گو باشد؟

مکرون افزایش قیمت بنزین و گاز را به حملات آمریکا و اسرائیل به ایران و بسته‌شدن تنگه هرمز مرتبط دانست. او از تلاش دیپلماتیک برای بازگشایی این آبراه، پاک‌سازی مین‌ها و ایجاد سازوکارهای اسکورت کشتی‌ها سخن گفت و در عین حال، با درخواست مخالفان برای کاهش مالیات سوخت و ارائه کمک‌های گسترده‌تر مخالفت کرد. رئیس‌جمهور فرانسه استدلال کرد که منابع عمومی محدود است و دولت باید به جای صرف هزینه‌های بیشتر، علل بحران را هدف قرار دهد.

رئیس‌جمهور فرانسه که از حامیان جنگ آمریکا علیه ایران شناخته می‌شود در پایگاه‌های خود را به روی هواپیماهای پشتیبانی، لجستیک و نظامی آمریکا باز کرده بود حال گلیه می‌کند که این بسته شدن تنگه هرمز است که باعث افزایش قیمت شده است!

نمی‌توان از یک سود درباره پیامدهای اقتصادی جنگ هشدار داد و از سوی دیگر، بحث درباره مسئولیت سیاسی قدرت‌های غربی در تشدید بحران را به حاشیه راند. اگر پاریس خواهان کاهش هزینه‌های جنگ برای مردم خود است، باید علاوه بر پیگیری بازگشایی مسیرهای انرژی، درباره رویکرد سیاسی و امنیتی‌اش در قبال این بحران نیز پاسخ روشنی ارائه کند.

پاسخ به بحران با فراکنی ممکن نیست

در داخل فرانسه نیز مخالفان دولت بر این باورند که بحران معیشتی را نمی‌توان صرفاً با ارجاع به تحولات بین‌المللی توضیح داد. مارین لوپن، رهبر جریان راست افراطی، خواستار کاهش مالیات سوخت شده و دولت را به ناتوانی در ارائه راه‌حل مؤثر متهم کرده است. در سوی دیگر، منتقدان سیاست‌های ریاضتی



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

تصویر اروپا به عنوان قاره رفاه و ثبات، زیر فشار تورم، گرانی انرژی و کاهش قدرت خرید شهروندان بیش از گذشته ترک برداشته است. آنچه در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی همچون بلژیک، ایتالیا و پرتغال جریان دارد، صرفاً اعتراض چند گروه دانش‌آموزی یا اختلافی محدود بر سر بودجه آموزش نیست بلکه نشانه‌ای از انباشت نارضایتی‌هایی است که از کلاس‌های شلوغ و کمبود معلم تا هزینه سوخت و فشار بر معیشت خانوارها امتداد یافته است.

بر اساس گزارش الجزیره، اعتراضات دانش‌آموزان فرانسوی که از مناطق کارگری پاریس آغاز شده بود، به شهرهایی همچون لیون، مارسی، بوردو و نانت گسترش یافت. روز شنبه ۱۷ اکتبر نیز، بنا بر آمار وزارت کشور فرانسه، حدود ۵۵۰ هزار نفر در سراسر کشور به خیابان آمدند. دانش‌آموزان، اتحادیه‌های کارگری و حامیان جنبش جلیقه‌زدها، این بار با مجموعه‌ای از مطالبات اقتصادی و اجتماعی در کنار یکدیگر قرار گرفتند. گزارش‌ها از بازداشت حدود ۱۲۰۰ نفر و مجروح شدن ۱۵۰ مأمور پلیس حکایت داشت. در حاشیه اعتراضات، گروهی از افراد به ساختمان‌ها و فروشگاه‌ها حمله کردند و پلیس نیز از گاز اشک‌آور و یورش برای متفرق کردن جمعیت استفاده کرد. هم‌زمان، دولت با طرح کاهش هزینه‌های عمومی و محدودیت‌های بودجه‌ای روبه‌روست. طرحی که مخالفان آن را تهدیدی علیه خدمات عمومی و قدرت خرید مردم می‌دانند. این تحولات، خاطره جنبش جلیقه‌زدها در سال ۲۰۱۸ را زنده کرده است. جنبشی که با اعتراض به هزینه‌های زندگی و نابرابری اقتصادی آغاز شد و به بحرانی سیاسی برای دولت مکرون تبدیل گردید. اکنون نیز پرسش اصلی این است: وقتی

یادداشت

عربستان در باتلاق یمن، اسرائیل در سودای صید

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

در حالی که عربستان سعودی پس از یک دهه جنگ نتوانسته است معادله یمن را به سود خود تغییر دهد، تشدید تنش‌ها بار دیگر فرصتی برای رژیم صهیونیستی فراهم کرده است تا از شکاف میان ریاض و صنعاً برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای خود بهره‌برداری کند. نتانیاهو که گسترش نفوذ اسرائیل را از غزه و لبنان تا سوریه دنبال می‌کند، ممکن است اکنون در صدد باشد با پیشنهاد حمایت نظامی از عربستان، پای این رژیم جعلی را به ترتیبات امنیتی و سیاسی تازه‌ای باز کند. ترتیباتی که بهای آن می‌تواند عادی‌سازی روابط با رژیم کودک‌کش و واگذاری بخشی از استقلال تصمیم‌گیری منطقه‌ای ریاض باشد.

عربستان سال‌ها با اتکا به حمایت تسلیحاتی و سیاسی آمریکا تصور می‌کرد می‌تواند یمن را با فشار نظامی، محاصره و حملات هوایی به زانو درآورد. اما نتیجه این سیاست، نه تسلیم انصارالله بلکه تداوم مقاومت و افزایش هزینه‌های امنیتی و اقتصادی ریاض بوده است. بیش از یک دهه جنگ نشان داده است که برتری تسلیحاتی، به تنهایی نمی‌تواند اراده سیاسی و توان مقاومت یک بازیگر بومی را از میان ببرد.

یکی از سناریوها، تلاش نتانیاهو برای عرضه حمایت نظامی به عربستان در برابر امتیازهای سیاسی و امنیتی است. عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، در قالب توافق‌های موسوم به صلح ابراهیم یا ترتیباتی مشابه، می‌تواند یکی از محورهای چنین معامله‌ای باشد. برای تل‌آویو، این مسیر صرفاً به معنای گسترش روابط دیپلماتیک نیست بلکه فرصتی برای نفوذ بیشتر در محیط امنیتی خلیج فارس و شکل‌دادن به ائتلافی منطقه‌ای تحت محوریت خود خواهد بود. اما پرسش اساسی این است که آیا بمباران‌های بیشتر می‌تواند انصارالله را متوقف کند؟ تجربه جنگ طولانی عربستان در یمن چه پاسخی به این سؤال می‌دهد؟ اگر سال‌ها حملات هوایی و فشار نظامی نتوانسته است اهداف اصلی ریاض را محقق کند، چرا باید تصور کرد ورود احتمالی اسرائیل و افزودن چند فروند هواپیما، ناگهان معادله را تغییر خواهد داد؟ سناریوی دیگر، بهره‌برداری اسرائیل از تحولات سوریه و استفاده از نیروهای محلی برای پیشبرد اهداف امنیتی خود است. هرگونه مشارکت نیروهای وابسته به ساختار قدرت جدید سوریه در جبهه‌ای علیه یمن، اگر واقعاً در دستور کار قرار گیرد، می‌تواند هم هزینه مالی و سیاسی سنگینی برای دمشق ایجاد کند و هم توجه منطقه‌ای را از تحرکات اسرائیل در خاک سوریه منحرف سازد. در واقع رژیم به دنبال آن است تا با استفاده از نیاز دمشق به منابع مالی، تعداد زیادی از نیروهای جولانی را به نبرد با یمن اعزام کند. در همین حین نیز رژیم صهیونیستی می‌تواند پیشروی خود در خاک سوریه را راحت‌تر ادامه دهد.

عربستان باید میان منافع ملی خود و نقشه‌های قدرت‌هایی که به دنبال گسترش نفوذ منطقه‌ای هستند، تفاوت قائل شود. یمن را نمی‌توان با فشار خارجی از معادلات منطقه حذف کرد. همان‌گونه که بیش از یک دهه جنگ نیز نتوانسته است انصارالله را از صحنه سیاسی و نظامی کنار بزند. نتیجه تکرار یک راهبرد شکست‌خورده، چیزی جز افزایش هزینه‌ها و گسترش ناامنی نخواهد بود. اگر ریاض همچنان به جای پذیرش واقعیت قدرت یمن، به حمایت خارجی و تشدید حملات امید ببندد، ممکن است به جای خروج از باتلاق، به عمق آن فروبرود و در این میان، تل‌آویو بیش از هر بازیگر دیگری از شکاف‌ها و فرسایش منطقه‌ای سود ببرد.

یادداشت

استیضاح عراقچی؛ ۴۵ امضا برای

پایان «برجامیسم در وزارت خارجه»

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

افزوده شدن ۱۰ نماینده دیگر به جمع متقاضیان استیضاح عباس عراقچی و رسیدن شمار امضاها به ۴۵، دیگر ماجرا را از یک اعتراض محدود پارلمانی خارج کرده است. اول مهرماه امیرحسین ثابتی با هفت محور و یک هفته بعد حسینیعلی حاجی دلیگانی با ۱۷ محور، دو متن استیضاح را در سامانه مجلس ثبت کردند. حال آنکه مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس، تنها ۱۰ امضا برای آغاز فرآیند استیضاح کافی است. اکنون نوب در زمین هیئت رئیسه است؛ هیئت رئیسه‌ای که باید حداکثر ظرف ۱۰ روز جلسه نمایندگان متقاضی با وزیر را برگزار کند؛ تکلیفی که قالیباف بارها در اجرای نمونه‌های مشابه آن تعلل کرده است.

اما مسئله مهم‌تر از سرنوشت یک وزیر است. کارنامه بیش از دو سال وزارت عراقچی را باید مقابل ادعاهای دستگاه دیپلماسی گذاشت: در نازعه با آمریکا چه دستاورد تعیین‌کننده‌ای حاصل شد؟ در تثبیت حقوق هسته‌ای چه گشایشی رخ داد؟ دیپلماسی چگونه مانع جنگ شد؟ و مهم‌تر اینکه «قدرت مذاکره» که عراقچی درباره آن کتاب نوشته و مانند ظریف به شکل خود خوانده خود را کارشناس این حوزه می‌داند، در میدان واقعی چه نتیجه‌ای داشت؟

واقعیت تلخ آن است که کشور چندبار درست هنگامی وارد جنگ شد که دستگاه دیپلماسی از پیشرفت مذاکرات سخن می‌گفت و آمریکا عملاً مشغول تکمیل مقدمات رویارویی بود. مذاکراتی که با ساده‌اندیشی تمام به این اعتقاد داشت که با پیشنهادات اقتصادی متوان ترامپ را از تعهد قللبیش به اسرائیل بازدارد. مسئله، شکست یک دستگاه محاسباتی است که بارها علائم میدان را اشتباه خوانده است.

به این کارنامه باید مواضع نسنجیده وزیر خارجه را نیز افزود. از وزیر امور خارجه انتظار می‌رود بیش از هر مقام دیگری وزن هر کلمه و پیامد هر جمله را بداند. با این حال عراقچی طی دو سال اخیر با موضوعی خبرساز شده که نشان می‌دهد نه تنها از تجربه برجام عبور نکرده، بلکه همان دستگاه فکری را در قالبی پریسک ترادامه داده است. نمونه قابل تأمل، گفت‌وگوی او با خبرنگار هندی تنها چند روز پیش از ترور رهبری شهید و طرح پرسش‌هایی درباره «برنامه جانشینی» و احتمال «جدایی میان روحانیت و ساختار اداره غیرروحانی کشور» بود؛ موضوعی که حساسیت جایگاه وزیر خارجه، ضرورت دقت بسیار بیشتری درباره آن را ایجاد می‌کرد.

با این همه، استیضاح عراقچی تنها هنگامی ارزش سیاسی پیدای می‌کند که آغاز تغییر باشد، نه پایان آن. مسئله فقط عراقچی نیست؛ ساختاری که ده‌ها و صدها عراقچی و ظریف تربیت می‌کند با تعویض یک وزیر اصلاح نمی‌شود. وزارت خارجه نیازمند تغییر نسلی، اصلاح سازکار جذب و تربیت دیپلمات و پایان انحصار فکری جریان‌ی است که سیاست خارجی را سال‌ها از دریچه برجام دیده و این را در ورودی ساختار نیز بازتولید می‌کند.

اهمیت استیضاح دقیقاً همین جاست. موفقیت آن، اگر با تغییر واقعی رویکرد همراه باشد، می‌تواند به جهان اعلام کند دور باطل «مذاکره، تحریم، جنگ و دوباره مذاکره» در حال پایان است. همان‌گونه که تغییر سیاسی سوم تیر ۱۳۸۴ در شرایط استقرار ارتش آمریکا در عراق و افغانستان پیام تازه‌ای درباره محاسبات ایران مخابره کرد، امروز نیز تغییر محسوس در سیاست خارجی می‌تواند محاسبات دشمن را تغییر دهد. استیضاح عراقچی نباید صرفاً خروج یک نام از ساختمان وزارت خارجه باشد؛ باید خروج یک تفکر از اتاق فرمان دیپلماسی باشد. وگرنه اگر عراقچی برود و مسیر عراقچی بماند، ۴۵ امضا نیز چیزی را تغییر نخواهد داد.

حضور وزیر خارجه روسیه در تهران، گمانه‌زنی‌ها درباره احیای پیشنهاد مسکورا بالا برده است

اورانیوم ۶۰ درصد باید در ایران بماند

توجه قرار داشت، اما با جواب رد آمریکا قصد ترامپ برای جنگ مشخص تر شد. اکنون پرسش اساسی این است: آیا ایران باید بار دیگر مهم‌ترین سرمایه خود را واگذار کند، بی‌آنکه تضمینی برای جلوگیری از تجاوز مجدد دریافت کند؟



هزینه و فایده چنین تصمیمی به درستی سنجیده شده است؟

رازی که پوتین بر ملا کرد

اهمیت این بحث زمانی دوچندان می‌شود که اظهارات ولادیمیر پوتین در کنفرانس خبری نهم ماه می امسال را به یاد آوریم. پوتین در بخشی از سخنان خود گفت: «این همان چیزی است که به نوعی راز محسوب می‌شود. همه موافقت کردند بر تکرار تجربه سال ۲۰۱۵ (انتقال و نابود سازی ذخایر ۱۰ تنی اورانیوم ایران) و ایالات متحده هم موافقت کرد. ایران موافقت کرد، اسرائیل هم موافقت کرد. اما بعد آمریکا موضع خود را سخت‌تر کرد و خواستار انتقال فقط به خاک آمریکا شد.» پوتین در ادامه، درباره واکنش ایران و ادامه خویشتنداری ایران به تغییر موضع آمریکا گفت: «آقای لاریجانی به ما اعلام کرد به روسیه پیشنهاد می‌کنیم قالب جدیدی از همکاری ایجاد کند؛ یک شرکت مشترک، اما در خاک ایران، و آنجا با هم اورانیوم را رقیق کنیم.» این روایت، یک واقعیت سیاسی مهم را برجسته می‌کند: ایران حتی پس از مواجهه با مطالبات سخت‌گیرانه ترامپ، پیشنهاد همکاری را به روسیه در داخل خاک خود را مطرح کرد تا راهی برای مدیریت اختلافات هسته‌ای باقی بماند؛ اما بنا بر روایت پوتین، این ابتکار نیز نتوانست مانع رسیدن مذاکرات به بن‌بست شود.

حسن نیت ایران؛

پاداشی که با جنگ پاسخ گرفت

آنچه این تجربه را برای ایران تلخ‌تر می‌کند، با وجود تداوم تلاش‌های دیپلماتیک و طرح ابتکارهای مختلف، جنگ ۱۲ روزه نشان داد که مذاکره مانع اقدام نظامی آمریکا و اسرائیل نخواهد شد. در چنین شرایطی، ایران بار دیگر برای نشان دادن حسن نیت به جهان، پیشنهاد مشارکت روسیه در رقیق‌سازی (نابودسازی) یا انتقال ذخایر اورانیوم با غنی‌بالا را مطرح کرد؛ پیشنهادی که بنا بر روایت پوتین، حتی با ارائه الگوی همکاری در داخل خاک ایران نیز نتوانست رضایت واشنگتن را جلب کند و برخلاف بهانه هسته‌ای آمریکا، هدف اصلی ترامپ یعنی نابودی ایران با جنگ پیگیری شد. این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که لیلان نیز به نقل از شهید لاریجانی اظهار داشت «تمام عقب‌نشینی‌ها در مذاکرات نتیجه بخش نبود و قصد آمریکا جنگ بود.» در این میان، مسئله‌ای فراتر از محاسبات دیپلماتیک وجود دارد. مطالبه فزاینده در

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

همزمان با سفر روز گذشته سرگئی لاوروف به تهران، برخی جریان‌های رسانه‌ای از احتمال تداوم رایزنی‌های روسیه درباره انتقال ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد ایران و رقیق‌سازی آن سخن گفتند؛ موضوعی که در هفته‌های منتهی به جنگ ۹ اسفند ۱۴۰۴ نیز در کانون مذاکرات قرار داشت. گمانه‌زنی‌های حاضر در شرایطی است که گئورگی یوریسکو معاون وزیر امور خارجه روسیه، چهارشنبه هفته گذشته در سخنانی اعلام کرد: «مسکو آمادگی دارد در صورت وجود نیاز و مطرح شدن درخواستی مناسب، اورانیوم غنی شده را از ایران به خاک خود منتقل کرده یا به کشورهای که مایل به پذیرش آن هستند، در انجام این کار یاری رساند.» سرگئی ریابکوف دیگر معاون وزیر خارجه روسیه، نیز در آخرین اظهارات دیپلماتیک خود اعلام کرد که مسکو آمادگی دارد در صورت نیاز، تمام اورانیوم غنی شده ایران را به خاک روسیه منتقل کند.

در همین زمینه، یک فعال رسانه‌ای مدعی شد: «روسیه در مورد پیشنهاد گذشته ایران در زمان شهید لاریجانی مبنی بر تهیه چارچوبی برای اورانیوم ۶۰ درصد بندی کرده و ایران و آمریکا را تا حدی همراه خود کرده است و سفر لاوروف به تهران با جمع‌بندی‌های اخیر هسته‌ای میان تهران، مسکو و واشنگتن ارتباط دارد و در صورت انجام این سفر، می‌توان از شکل‌گیری تقاضاهای اولیه در این حوزه سخن گفت.» به ادعای او، «ایران در ازای چنین اقدامی خواستار لغو تمامی تحریم‌های آمریکا خواهد شد؛ هر چند پیشنهاد برداشتن مرحله‌ای تحریم‌ها نیز مطرح بوده و احتمال دارد واشنگتن در نهایت صرفاً به رفع محاصره بسنده کند و تهدید آغاز مجدد جنگ را همچنان بالای سر ایران نگه دارد.»

این فعال رسانه‌ای همچنین مدعی شده «پیشنهاد اخیر روسیه درباره ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد مورد توجه یکی از رؤس تصمیم‌گیر کشور قرار گرفته است». این ادعاها هنوز به معنای تأیید رسمی توافق یا تصمیم قطعی تهران نیستند؛ اما در این میان، پرسش تعیین‌کننده همچنان پابرجاست: آیا ایران باید پیش از انتخابات آمریکا، امتیازی فوق‌حساس در حوزه هسته‌ای به تیم ترامپ بدهد، آن هم در شرایطی که ترامپ صراحتاً از شروع مجدد جنگ بعد از انتخابات آمریکا می‌گوید؟ آیا

گمانه زنی بر سر
پیشنهاد مسکو؛
میانجیگری یا
بازگشت به نقطه
شکست؟

اظهارات صریح
ولادیمیر پوتین
درباره موافقت
اولیه ایران، آمریکا
با رقیق‌سازی
و انتقال ذخایر
اورانیوم به روسیه،
تغییر موضع ترامپ
و سپس شروع
جنگ ۳۹ روزه، بار
دیگر یک واقعیت
تلخ را یادآوری
می‌کند: مسئله
آمریکا موضوع
هسته‌ای ایران
نیست. در شرایطی
که تجربه برجام،
جنگ ۱۲ روزه و
جنگ تحمیلی ۳۹
روزه بی‌اعتمادی
به واشنگتن را
به اوج رسانده
و در شرایطی
که ملت ایران
خواستار ساخت
سلاح هسته‌ای
هستند، واگذاری
ذخایر راهبردی
بدون تضمین
معتبر می‌تواند
تکرار همان چرخه
پرهزینه باشد

هنوز درس کافی گرفته نشده است؟

این پرسش در شرایط کنونی ابعاد جدی‌تری پیدا می‌کند. آیا پس از ترور و داغ‌سنگین شهادت رهبری شهید و پس از این حجم از تحریم، ترور، فشار و نهایتاً جنگ که نصیب کره شمالی نشد و برای ایران اتفاق افتاد؟ میان بهمن ۱۴۰۴ و مهر و آبان ۱۴۰۵ هیچ تفاوتی در نوع مواجهه کشور در موضوع هسته‌ای پدید نیامده است؟ آیا پس از چنین تحولاتی، می‌توان همان الگوهای پیشین را بدون بازنگری در مفروضات اساسی دنبال کرد؟ در روزهایی که ظریف با دروغ از کمبود منابع اورانیوم ایران برای ساخت سلاح سخن می‌گوید، نگاهی به خسارت برجام برجام بر ذخایر اورانیوم کشور خالی از فایده نیست، در جریان برجام، قریب به ۱۰ تن از ذخایر اورانیوم غنی شده ایران به روسیه منتقل شد و راکتور آب‌سنگین اراک نیز که قابلیت تولید پلوتونیوم داشت، نابود شد. باراک اوباما خرداد امسال در مصاحبه با شبکه CBS صراحتاً اعلام کرد که «در نتیجه برجام، ۹۷ درصد» از اورانیوم ایران از بین رفته یا از چرخه خارج شده است. «اکنون پرسش اساسی این است که آیا پس از چنین تجربه‌ای، باید ذخیره راهبردی و فوق‌حساس ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد ایران نیز در ازای وعده‌هایی نامطمئن، نابود شود؟ آیا قرار است تهران بار دیگر امتیازی برگشت‌ناپذیر بدهد تا ترامپ و نتانیاهو پس از انتخابات آبان در آمریکا و اسرائیل، با دست‌بازتری برای حمله به ایران اقدام کنند و این بار یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی ایران را نیز پیشاپیش خنثی شده ببینند؟

از (نه‌ژا ۲) تا بازاری به وسعت ۱.۲ میلیارد بلیت

چین می‌تواند سینمای ایران را تکان دهد

است. البته باید ذکر کرد بیش از ۹۹ درصد فروش آن از داخل این کشور رقم خورد، اما با اینحال نمی‌توان اهمیت سینمای تجاری چین و اثری که می‌تواند برای ما در پی داشته باشد را نادیده گرفت. در واقع ارتباط با چین می‌تواند سینمای ایران -که با محدودیت بازار روبه‌روست- را از راه تولید مشترک و ارتباط تنگاتنگ با بزرگ‌ترین رقیب اقتصادی آمریکا به اوج برساند. مسئله‌ای که نباید از کنار آن به سادگی گذشت.

سینمای چین در سال‌های اخیر نشان داده است که یک بازار داخلی بزرگ می‌تواند رقیب جدی هالیوود باشد. چین سال ۲۰۲۵ را با فروش ۵۱.۸ میلیارد یوان (حدود ۷.۴ میلیارد دلار) بست و نزدیک به ۸۰ درصد آن سهم فیلم‌های بومی بود. رسانه‌های چینی می‌گویند این کشور اکنون نزدیک به یک چهارم کیش‌های جهانی را در اختیار دارد و انیمیشن «نه‌ژا ۲» هم با حدود ۲.۱ میلیارد دلار، پرفروش‌ترین انیمیشن تاریخ لقب گرفته



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

ارقام اندازه و گستره قابل توجه بازار سینمای چین را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۲۵ بیش از ۱.۲ میلیارد بلیت در چین فروخته شد و فیلم‌های بومی ۴۱.۳ میلیارد یوان فروختند. انیمیشن‌ها نیز نزدیک به نیمی از کل فروش سال را به خود اختصاص دادند. در واقع تا آگوست ۲۰۲۶، فروش از ۲۴.۵ میلیارد یوان گذشته و فیلم «پگاسوس ۳» هم در تعطیلات سال نو چینی نزدیک به ۲.۹۳ میلیارد یوان فروش داشته است.

این دقیقاً به معنای شکست هالیوود در گیشه جهانی است، زیرا «نه‌ژا ۲» استثنایی قابل توجه در این زمینه بود و تقریباً تمام درآمدش را از بازارهای داخلی به دست آورد. از سوی دیگر، هالیوود به چین وابسته است و نزدیک به نیمی از فروش جهانی «زوتوپیا ۲» از جغرافیای چین نصیب اثر شد.

بازار چین البته نوسان هم دارد و فروش نیمه نخست ۲۰۲۶ نسبت به سال قبل ۴۰.۶ درصد کاهش یافت و فقط پنج فیلم از مرز یک میلیارد یوان گذشتند و سال قبل «نه‌ژا ۲» در همین بازه اکران شده بود. با این حال، همکاری با چین می‌تواند برای ایران چند فایده داشته باشد که به اختصار هر یک را توضیح خواهیم داد.

نخست، تولید مشترک است، به این معنا که چین سرمایه و تجهیزات تازه برای صنعتی که منابع محدود دارد را فراهم کند و با ما به تولید فیلم بپردازد. دوم، فایده هم مربوط به فناوری است؛ چین در انیمیشن و جلوه‌های ویژه جهش کرده و تجربه‌اش می‌تواند به کار سینمای ما بیاید. سومین مسئله نیز به بازار و ارزش پول مربوط می‌شود؛ به این معنا که حتی سهم کوچکی از بلیت‌های چینی برای یک فیلم ایرانی درآمد قابل توجهی دارد، به طوریکه فیلم ایتالیایی «هنوز فردا هست» نمونه‌ای است که چین را به بزرگ‌ترین بازار خارجی خود تبدیل کرد.

چهارم، الگوی فرهنگی: «نه‌ژا ۲» براسطوره‌ای

برنامه «باضیا» که سابقه‌ای طولانی در هنجارشکنی دارد، با طرح ادعاهای مضحک و بحث‌برانگیز، بیش از آنکه به دنبال گفت‌وگویی مسئولانه باشد، در پی جلب توجه و وایرال شدن بوده است. حالا توقیف موقت و رفع توقیف آن، فرصتی برای تبلیغات بیشتر فراهم کرده؛ تبلیغاتی که هزینه‌ای هم برای سازندگان برنامه نداشته است.

سیاست توقیف و رفع توقیف، بدون معیارهای شفاف و ضمانت اجرایی روشن، نه به مدیریت بهتر فضای رسانه‌ای کمک می‌کند و نه اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد. برعکس، چنین روندی می‌تواند به الگویی سودآور برای کسانی تبدیل شود که از جنجال، حاشیه و تقابل برای دیده‌شدن استفاده می‌کنند.

نتیجه این سیاست، نه مهار تخلفات رسانه‌ای، بلکه تبدیل برخوردهای مقطعی به فرصتی برای شهرت بیشتر است؛ رویکردی که در نهایت چیزی جز دهن‌کجی به افکار عمومی نیست.

یادداشت

بی‌دار؛ مرزباریک عشق و مالکیت

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

آنچه «بی‌دار» را قابل بحث می‌کند، تصویری است که از رابطه میان عشق، قدرت و میل به تصاحب ارائه می‌دهد. مردی که نمی‌تواند زنی را با خواست و اراده خود به دست بیاورد، شرایطی می‌سازد که او راه دیگری جز پناه بردن به این مرد نداشته باشد. در واقع، او به جای به دست آوردن عشق، امکان انتخاب را از بین می‌برد. این ایده می‌توانست به تصویری تکان‌دهنده از خشونت‌ی منجرشود که زیر ظاهر علاقه و حمایت پنهان می‌شود، اما فیلم در پرداختن به پیامدهای این رفتار موفق نیست.

یکی از مشکلات «بی‌دار» این است که اتفاقات مهم زندگی شخصیت‌ها خیلی سریع پیش می‌روند. دختر با بحرانی جدی روبه‌رو می‌شود، زندگی عاطفی‌اش فرو می‌ریزد و در ادامه وارد رابطه‌ای تازه می‌شود؛ اما فرصت کافی نداریم بفهمیم این اتفاقات چه تغییری در نگاه او به خودش و دیگران ایجاد کرده‌اند. انگار فیلم بیشتر از آنکه بخواهد وضعیت یک انسان آسیب‌دیده را بشناسد، عجله دارد داستانش را به مرحله بعد برساند.

همین شتاب در بخش پایانی هم دیده می‌شود. وقتی حقیقت ماجرا آشکار می‌شود، انتظار داریم با زنی روبه‌رو شویم که حالا نه‌تنها با گذشته دردناک خود، بلکه با خیانت کسی مواجه است که به او اعتماد کرده بود. چنین کشفی باید همه چیز را برای او زیر سؤال ببرد. با این حال، فیلم خیلی زود او را وارد مسیر انتقام می‌کند، بدون اینکه پیچیدگی این تغییر را به درستی نشان دهد.

نکته بحث‌برانگیزتر، نحوه همراه کردن تماشاگر با داستان است. گاهی آنچه بیشتر توجه ما را جلب می‌کند، نقشه مرد و احتمال فاش شدن راز اوست، نه آسیبی که به زن وارد شده است. این اتفاق نشان می‌دهد که روایت تا چه اندازه ممکن است ناخواسته به خشونت اهمیت بیشتری بدهد. مرد فرصت دارد نقشه بکشد، دیگران را کنترل کند و داستان را مطابق میل خود پیش ببرد؛ درحالی‌که زن بیشتر به واکنشی در برابر تصمیم‌های او تبدیل می‌شود.

شاید مهم‌ترین ضعف «بی‌دار» همین باشد که درباره گرفتن اختیار از یک انسان حرف می‌زند، اما کمتر به تجربه درونی کسی می‌پردازد که اختیارش را از دست داده است. حتی انتقام زن از همسر خود هم می‌توانست فرصتی باشد برای نشان دادن اینکه آسیب‌دیدن چگونه آدم‌ها را تغییر می‌دهد و آیا مقابله با خشونت، همیشه به رهایی از آن منجر می‌شود یا نه.

«بی‌دار» پرسش مهمی مطرح می‌کند: وقتی کسی ادعای کند عاشق ماست، اما برای رسیدن به خواسته‌اش زندگی‌مان را ویران می‌کند، با عشق روبه‌رو هستیم یا شکلی از سلطه؟ مشکل اینجااست که فیلم پاسخ این پرسش را در رفتار شخصیت‌ها به اندازه کافی دنبال نمی‌کند. در نتیجه، ایده‌ای که می‌توانست به اثری تأثیرگذار تبدیل شود، زیر فشار اتفاقات داستانی و پایان‌بندی شتاب‌زده، بخشی از قدرت خود را از دست می‌دهد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضایانی

■ تلفن:

۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قمری خ شاداد بلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ سه شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۶۴

یادداشت

فوتبال ایران؛ وقتی فرهنگ قربانی مسامحه‌کاری می‌شود

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

وضعیت فرهنگ در فوتبال ایران به شدت افسارگسیخته و خطرناک شده است. ورزشگاه‌هایی که باید جای رقابت سالم و شادی جمعی باشند، امروز بیش از هر چیز صحنهٔ تنش، توهین و ادعاهای مناقشه‌برانگیز شده‌اند. حواشی دیدار اخیر تراکتور و ملوان تازه‌ترین نمونهٔ این روند است؛ روندی که ریشه‌اش در رفتار خود متولیان فوتبال است، نه فقط در رفتار هواداران.

محمدرضا زنوزی، مالک باشگاه تراکتور، پس از این دیدار با انتقاد از شعارهای سکوها بر ضرورت مقابله با نژادپرستی و حفظ وحدت ملی تأکید کرد و حتی هشدار داد که اگر نتیجهٔ سه بر صفر به ضرر تراکتور اعلام شود، باشگاه از لیگ برتر انصراف می‌دهد. مقابله با نژادپرستی و دفاع از وحدت ملی البته سخنی درست است، اما اعتبار چنین سخنی به یکرسان بودن معیار بستگی دارد و به آقای زنوزی هم چندان نمی‌آید. وقتی هواداران همین تیم در ویدئوی منتشرشده شعار «آستارا و حیران، برای آذربایجان» سرمی‌دهند، این پرسش جدی پیش می‌آید که آیا چنین شعارهایی با همان حساسیتی بررسی می‌شوند که از دیگران مطالبه می‌شود؟ شعاری که دربارهٔ هویت جغرافیایی مناطقی از گیلان ادعا طرح می‌کند، ذاتاً تحریک‌آمیز است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

مسئلهٔ اصلی اما از جایی شروع می‌شود که فدراسیون فوتبال برخوردی سلیقه‌ای با این پرونده‌ها دارد. اگر قانون برای برخی تیم‌ها اجرا شود و برای برخی دیگر نه، اگر جریمه و تذکره تابع نام باشگاه و وزن حامیان آن باشد، نتیجه‌ای جز تشویق به تکرار تخلف نخواهد داشت. مصونیت دادن عملی به تیم‌های خاص، پیام روشنی به سکوها می‌فرستد: هزینه‌ای وجود ندارد.

این‌ها تازه نیست. از چند سال پیش که شعارهای تجزیه‌طلبانه در ورزشگاه تبریز شنیده شد و اقدام مؤثری صورت نگرفت، سرانجام این مسیر معلوم بود. بی‌عملی در برابر نخستین هشدارها، مرز را جابه‌جا کرد و امروز همان فضا به شهرهای دیگر هم کشیده شده است. فرهنگی که با ناهنجاری روبه‌رو نشود، به ناهنجاری ختم می‌شود.

راه حل روشن است: بررسی کامل تصاویر و مستندات، شنیدن اظهارات همهٔ طرف‌ها، و اجرای یک معیار واحد برای همهٔ تیم‌ها و هواداران، بدون توجه به رنگ پیراهن و نام باشگاه. وحدت ملی با معیارهای دوگانه حفظ نمی‌شود؛ عدالت یعنی یک معیار برای همه. تازمانی که فدراسیون این اصل را جدی نگیرد، فوتبال ایران هر هفته هزینهٔ بیشتری برای بی‌تفاوتی دیروز خواهد پرداخت.